

تکفیری، قلب فرهنگی جامعه را

هدف گرفته است



فصل فرهنگی

حجت الاسلام و المسلمین حسین ابراهیمی

حرم امامزادگان، مکان های امنیت بخش در جامعه ماست، جایی که علاوه بر جسم ها، روان افراد نیز به امنیت و آرامش می رسد و بازیابی و بازسازی می شود. حرم امامزادگان، قلب تبنده جامعه ما به سوسی حیاتی است که قرآن کریم و اسلام به آن دعوت می کنند. حرم امامزادگان، ملجأ و مأوای بسیاری از مردم کشور ما درمیان غوغای مشکلات و کوران اتفاقات و حوادث زندگی است و امروز دشمن ما برای دومین بار در سال های اخیر، این قلب را هدف قرار داده است.

اگر امروز جنگ ما با دشمنان هویت و موجودیتمان، جنگ نرم و جنگ فرهنگی است، بدون شک خط مقدم مبارزه با آن، همین حرم های مطهر است که به قول رهبر معظم انقلاب، قطب فرهنگی در هر منطقه است و در بستر این مکان های مقدس که بزرگ ترین مکان های یاد کردن و عبادت خداست، انواع واقسام فعالیت ها و تربیت ها پامی گیرد و برنامه ریزی می شود و در این

میان، شیراز و حرم شاهچراغ، دارای ویژگی های خاصی است که دشمن روی آن انگشت گذاشته است.

بعد از مشهد و قم وقتی به شهر شیراز نگاه می کنیم، می بینیم دشمنی که دنبال کشاندن مردم به بسترهای خاص ضد فرهنگی و ضددینی است. کارش در شیراز آسان تر است و فضای مطلوب او در شیراز، بیشتر از دو شهر دیگر وجود دارد، پس از آن طرف اهمیت جایی مثل حرم مطهر شاهچراغ و جایگاه آن مضاعف می شود و هرجا که دشمن بیشتر درپی تخریب و ضربه زدن است، دوستان باید آنجا را خط مقدم تقویت و حمایت ببینند و بدانند و متوجه باشند که امروز میدان مبارزه در آنجا تعریف شده است.

البته در این میان، باید مواظب بود افرادی از این فرصت ها برای ضربه زدن به نیروهای خدم امنیتی و اطلاعاتی سوءاستفاده نکنند و به این بهانه بازوهای همیشگی مردم و نظام را آماج ضربه های خود قرار ندهند که اگر اقدام بموقع و بجا و فداکارانه این افراد نبود، تروربست تکفیری با هشت خشاب پر آمده بود تا سر و بال انبوه کبوتران سپید این حرم نورانی را پرلا له کند و افراد زیادی را از بین ببرد اما از آن طرف همین که حرمت این حریم امن شکسته می شود و کسانی که به این حرم پناه آورده اند ترسان و هراسان می شوند و هدف سوء قصد قرار می گیرند و بعضی زخمی و شهید می شوند، وجود انسان را آزار می دهد.

از خداوند بزرگ طلب می کنیم که به همه ما ایمان را سخ و استقامت در مسیر درست عطا کند و ما و مسئولان ما را بیش از پیش قردران نعمت اهل بیت^(ع) و حرم های مطهر آل... قرار بدهد و توفیق انجام وظایف درمقابل دشمنان آن ها را بیش از پیش برای ما فراهم کند. ان شاء...!

روایت



هزینه عاشقی

به پهلوانی و جنگاوری مشهور بود.

زاهر بن عمرو، هم محبت پیامبر^(ص) را و هم محبت وصی پیامبر، علی^(ع)، را در دل داشت.

عشق و محبت هم هزینه دارد.

آن هم دلدادگی به علی^(ع) که تشنگان قدرت، بغضش را به دل دارند. اما او هزینه اش را پذیرفته بود.

در اوضاعی که مدح علی^(ع) ممنوع بود و کسانی که روی منبر رسول خدا^(ص) می رفتند، از دشمنان امام حمایت می کردند. برای این محبت باید بهای زیادی پرداخته می شد.

بارها جانش را کف دستش گذاشته و برای جنگ با ظلمت به میدان رفته بود.

بعد از علی^(ع)، تحمل غاصبان حکومت، سخت بود.

بعد از شهادت امیرالمؤمنین^(ع) به همراهی عمروبن حق، علیه معاویه و گماشته اش، زیاد، به مبارزه برخاست.

عمرو در مسجد، جمعی را تشکیل داده بود و احادیث امام را منتشر می کرد.

معاویه حکم داد که هر دو آن ها را دستگیر کنند و بکشند.

از شهرگریختند تا دست سربازان معاویه به آن ها نرسد. در این راه سختی کشیدند و عمرو را مار نیش زد. حرکت او کند و دشوار شده بود و دستگیر شد و به شهادت رسید، اما زاهر...

سر عمرو را بریدند و به معاویه تقدیم کردند.

زاهر حس می کرد از عمرو عقب مانده است.

قبل از شهادت رفیقش، خواست که بگذارد بجنگد و باهم کشته شوند اما عمرو مانع شد و او را مجبور کرد برود و شاهد شهادتش باشد و بعد از رفتن سربازان، بدنش را به خاک سپارد که عمرو می دانست جان های اندکی می توانند برای یاری دین خداوند جان فدایی کنند.

تاریخ دیگر حرفی از او نزده است تا جاودانگی اش.... مدتی گذشت و او بدون همراه و یار، خود به مکه معظمه رفت.

وحج خدای متعال را به جای آورد. کسی نمی داند که آن حج در سرنوشت و تقدیرش چه رقم زد. کسی نمی داند در طواف هایش از پروردگار خود چه چیزی را درخواست کرد. کسی نمی داند خدای قادر و آگاه برای هر بندةاش چه پیش می آورد. جایی نیامده است و شاید هیچ فردی نمی دانست که در حج، چه خواسته بود از خدا که سرانجام حشش، این گونه بود. اما دیداری در راه خود داشت، دیداری که او را مصداق آیه «انالله و انا الیه راجعون»، می کرد. او در راه، خورشید زمانه خودش، امام و مولای زمان خودش، را زیارت کرد.

او در راه، حسین، پسر علی^(ع)، را دید.

از تصمیمش که مطلع شد، پای زبان دلش که نشست، دیگر از امام^(ع) جدا نشد که او یافته بود آنچه را باید پیدا می کرد که حشش مقبول شد.

به آرزوی دیرینه اش رسید....

قیام علیه خاندان معاویه، آن هم زیر پرچم حسین بن علی^(ع).

عاشورا مثل بقیه باران، زودتر از بنی هاشم به میدان رفت ... شهید شد.

حالا زاهر که حس می کرد از عمرو عقب مانده است، سرش جلوتر و بالاتر از او در آسمان می درخشد و نامش در تاریخ جاودانه شده است.

شهرک

شششنبه
۲۳ مرداد ۱۳۹۲
شماره ۲۸
۲۰۱۲

۱۴



مهرآفرین

● معنای ربا

ربا در لغت به معنای افزوده و افزایش، رشد و نمو است، چنان که در سوره مبارکه حج، بیان شده است با بارش باران، زمین نمو می یابد و آماده رشد می شود، ولی باید توجه کرد دراصطلاح هر نوع افزایشی، ربای حرام محسوب نمی شود، بلکه آن افزایش و افزوده ای نامشروع و غیرشرعی است که بیشتر از مقدار و میزان قرض و دین باشد، چنان که خدای متعال در آیه ۳۹ از سوره مبارکه روم می فرماید: «وَمَا آتَيْتُم مِّنْ رِّبًا لِّيُزُوَ فِی أَمْوَالِ اللّٰهِ فَلَا يُزُوْ عِنْدًا...» و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) بیفزاید(یا هدیه به اغنیا دهید تا خود، نفع زیاد دنیوی برید) نزد خدا هرگز نیفزاید(بلکه محو و نابود شود)....، فردی بنا بر ضوابط شرعی، یک ربای قرضی داریم که برپایه آن، فردی به دیگری پولی را قرض می دهد و با افزوده ای آن را بازمی ستاند، درحالی که باید همان مبلغی را که قرض داده است، پس بگیرد.

این چنین، سنت قرض الحسنه که از تأکیدهای دین و قرآن است، جای خود را به فعلی حرام می دهد، درحالی که قرآن کریم وعده داده است آن میزان مالی را که انسان برای خدا قرض الحسنه می دهد، خود خدا افزایش می دهد: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ...! قَرْضًا حَسَنًا فِیضَاعُهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیْرَةً». (بقره، ۲۴۵).

برخی اوقات ربا در کالا یعنی در وزن و کیلو رخ می دهد، برای مثال مقداری گندم قرض داده ایم و در حین بازپس گیری قرض از مدیون، بیش از میزانی که باید، ستانده می شود یا آنکه در وزن کشی، ربا می کنیم و توقع میزان بیشتری را داریم، درحالی که هر مقدار پول یا کالا بیش از آنچه قرض داده ایم بازپس گرفته شود، ربامحسوب می شود، البته در این میان و بنا بر

برخی فتاوا، ربا بین زن و شوهر و پدر و فرزند به دلیل داشتن منافع مشترک، جایز است.

● چرا جنگ با خدا؟

برپایه آموزه های دینی، ربا در حکم محاربه با خدا و رسول خدا^(ص) تعبیر می شود. این یعنی جنگ با حکومت دینی! فردی که رباخوار است، به نظام دینی هم اعلام جنگ می کند و حکم محارب می یابد، چون نوعی استثمار وحشتناک را بر مدیون و قرض گیرنده تحمیل می کند، فردی که حاضر می شود پول ربا بگیرد یا بدهد بی شک مشکلات فراوان دارد و در چنین وضعیتی باید مال بیشتری هم بپردازد و این چنین فقیرتر می شود. در این میان، نه تنها تولید و منفعتی نصیب جامعه نمی شود، بلکه این استثمار، جامعه و افراد آن را در مسیر فقیر پیش می برد.

● تهدید امنیت و اخلاق با ربا

فردی که باعث شود جامعه ای از انسان هاروز به روز فقیرتر و نیازمند تر شوند و در عین اینکه کار می کنند، نتیجه ای از کار و تلاش شان نبینند

و به عوارضی همچون افسردگی و فسادهای اجتماعی و فقر فرهنگی درپی فقر و فشار مالی مبتلا شوند، به جنگ خدا رفته است. علامه طباطبایی^(ع) می گفت: «وقتی تعداد فقرا افزایش یابد، علیه اغنیا می شوند»، چنان که در غرب می بینیم با قطع برق یک سوپرمارکت، در عرض چند دقیقه مردم آنجا خالی می کنند، این یعنی در اثر نابرابری اقتصادی که ربا باعث آن می شود، امنیت و اقتصاد و اخلاق در معرض تهدید و خطر قرار می گیرد. رباخواری درظاهر به پولدار شدن می رسد، اما در باطن، تهدید امنیت و اخلاق است، زیرا خشم را در بخشی از جامعه نهادینه می کند، خشمی که در اثر بروز می تواند منشأ اتفاقات ناگوار شود، چنان که فراوان شاهد

آیت... قوامی، رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی، در گفت وگو با شهرآرا مطرح کرد

ربا، جنگ با خدا

آمنه مستقیمی را با حرام هایی است که به شدت از آن نهی شده ایم و حتی به جنگ با خدا از آن تعبیر می شود، حرامی که زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی را متأثر می کند و تجربه نشان داده است که این جنگ با خدا، سرنوشتی جز شکست در پی ندارد. چرایی تأکید آموزه های دینی بر دوری از ربا و ابعادی از سیل مصائبی که با رباخواری به سمت ما هجوم می آورد را در گفت وگو با آیت... سیدمصصام الدین قوامی، استاد درس خارج حوزه علمیه و رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی، بررسی کرده ایم.

علیه سرمایه داران بوده ایم. اگرچه می گویم فرهنگ زیربنای اقتصاد است، اخلال و فساد در اقتصاد، فرهنگ را هم تضعیف و تخریب می کند، البته این فرهنگ زیاده خواهی و استثمار است که سبب رباخواری می شود. ربا چون اقتصاد جامعه را رو به فقر و رکود و انحطاط می برد و مانع از عدالت و پیشرفت در آن می شود، در حکم جنگ با خداست. درگیری با عدالت یعنی درگیری با خدا! این نشان از اهمیت اقتصاد در آموزه های دینی دارد. درجه این اهمیت به اندازه ای است که قرآن کریم در سوره مبارکه قریش می فرماید: «فَلْيُعَذِّبُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِیْ أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»، یعنی ما کسی را می پرستیم که معیشت و امنیت ما را تأمین می کند.

● ربا، مروج تنبلی و استثمار

اگر در امنیت و معیشت اخلال ایجاد کنیم و فقر را رقم بزنیم، درواقع با برنامه الهی یعنی قسط و عدل و رفاه درگیر می شویم و ربا در این میان، ویروسی است خطرناک که سلامت و امنیت اقتصادی را نشانه می رود و آن را بیمار می کند، از این رو خدای تبارک و تعالی بین

همه مفاسد، روی ربا دست گذاشته است و آن را جنگ با خود می داند، چون فرهنگ تنبلی، استثمار و زیاده خواهی را در خود نهفته دارد و در جامعه رواج می دهد.

همه مفاسد اقتصادی را باید در رباریشه یابی کرد، چون رباخواران از این درآمد نامشروع، استفاده های غیرشرعی می کنند و دست به فساد هم می زنند. باید توجه کرد این افزون خواهی که درقالب رباخواری و بدون استحقاق و سعی و تلاش و کار و خدمت و تولید رقم می خورد، باب گناهان دیگر همچون اختلاس و دزدی را می گشاید و قبح آن ها را نیز از بین می برد و این ترویج حرام خواری در جامعه است که عواقب سوء آن، بی شمار است و همه را متأثر می کند.



پول برکتی می دهد که آثاری متفاوت می یابد. این برکت به دلیل مانعی است که قرض الحسنه مقابل فقر و آثار سوء آن ایجاد می کند، یک فقیر کمتر، یک فساد کمتر، این چیزی است که نصرت خدا را برای انسان به ارمغان می آورد: «إِنْ تَضَوْا...! ینظرکم».

● راه دادوستد مالی با خدا

قرض الحسنه نوعی صدقه بدون توقع است و بنا بر آموزه های دینی، صدقه به دست خدا داده می شود و فرهنگی ربانی و نورانی را با تأکید بر تعاون، ترویج می کند. اگر این فرهنگ رایج شود، بسیاری از مفاسد اقتصادی کاهش می یابد و اقتصاد سالم و اسلامی بر جامعه حاکم می شود، از این رو قرض الحسنه می تواند منشأ اتفاقات مبارک در عرصه اقتصاد همچون رونق تولید و اشتغال و رفع بیکاری و مفاسد ناشی از آن شود که همین ها به جامعه سالم کمک می کند، از این رو ریشه همه مصالح و منافع اقتصادی را می توان در آن یافت. پایان سخن آنکه قرض الحسنه، نوعی فرهنگ سالم دادوستد آن هم با خدا را پدید می آورد که در پرتوی این فرهنگ، اقتصاد مولد و پرونوق محقق می شود.

● قرض الحسنه، نصرت خداست

در مقابل ربا که جنگ با خداست، قرض الحسنه نصرت خداوند است و برکات بسیار را شامل حال انسان و جامعه می کند، چنان که قرآن کریم می فرماید: «إِنْ یَنْظُرْکُمْ...! فلا غالب لکم» قرض الحسنه از جنس نصرت خداست و خدای متعال درباره آن می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ...! قَرْضًا حَسَنًا فِیضَاعُهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیْرَةً، کسی که به خدا قرض می دهد، از خدا افزایش مال را می طلبد و خدا هم برپایه وعده ای که داده است، این خواسته او را برآورده می کند».

اتفاق، قرض الحسنه و صدقه، معامله با خداست و سود آن را خود خدا تأمین می کند.

این روزها که نرخ تورم بالاست و ارزش پول به سرعت کاهش می یابد، شاید عده ای بگویند قرض الحسنه از ارزش پول می کاهد، بله، شاید در ظاهر چنین باشد اما خداوند به آن

● سد عدالت اقتصادی

امیرالمؤمنین امام علی^(ع) در خطبه ۳۴

نهج البلاغه می فرمایند: «... ای مردم!

مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب

شده است. حق شما بر من، آن است که

ازخیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را

میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش

دهم تا بی سود و نادان نباشید و شما را تربیت

کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید....» این یعنی یکی

از وظایف حکومت دینی، افزایش رفاه مالی و آسایش برای

مردم است که ربا، مانعی جدی در مقابل آن است و مانع

رفاه عمومی و رونق اقتصادی که یکی از اهداف دین است،

حَسَنًا فِیضَاعُهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیْرَةً، تولید کاهش می یابد و رشد

اقتصادی که بر مبنای تولید رخ می دهد، متوقف می شود.

● عواقب رباخواری برای نظام اسلامی

اگر خدای متعال روی ویروس اصلی یعنی ربا دست می گذارد، به دلیل آن است که ربا سرچشمه همه مفاسد اقتصادی است، برای مثال دلایل سرقت را هم اگر ریشه یابی کنیم، به ربا می رسم، شخص رباخوار، امنیت